

خبر

۲ مرکز ترک اعتیاد استان تعطیل شد

صدر—از ابتدای امسال تاکنون دو مرکز ترک اعتیاد استان به دلایل گوناگون از جمله رعایت قوانین تعطیل شد.

دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان با اشاره به این که هیچ مرکز غیر مجازی در حوزه درمان اعتیاد در استان وجود ندارد، گفت: از ابتدای امسال فقط دو مرکز ترک اعتیاد به دلایل گوناگون از جمله رعایت نکردن قوانین تعطیل شد.

اشاره به این که هیچ مرکز غیر مجازی در حوزه درمان اعتیاد در استان وجود ندارد، گفت: از ابتدای امسال فقط دو مرکز ترک اعتیاد به دلایل گوناگون از جمله رعایت نکردن قوانین تعطیل شد.

این ستاد آمادگی دارد تا هزینه در مان معنادانی که منبع در آمد مناسبی ندارند را به طور کامل پرداخت کند و اولویت این ستاد، کمک به زنان و افراد بی بضاعت به ویژه کودکان است.

وی افزود: بیش از ۶۰ درصد مراکز ترک اعتیاد استان با بیمه سلامت قرار داد منعقد کرده اند و افراد تحت پوشش این بیمه باید هزینه ناچیزی را پرداخت کنند.

وی با بیان این که بیش از ۸۰ مرکز درمانی در استان وجود دارد، افزود: تمام هزینه های درمان کودکان معنادویا دانش آموزان گرفتار، از سوی ستاد مبارزه با مواد مخدر پرداخت می شود.

وی بیان کرد: هم اکنون در استان بیمارستان های بوعلی و امام رضا (ع) بیرجندو بیمارستان های قاین، طبس و فردوس در حوزه درمان، کودکان معنادر ا پذیرش می کنند.

وی با بیان این که اگر صاحبان مشاغل آمادگی به کارگیری افراد نجات یافته را داشته باشند ستاد آمادگی دارد تا ۱۰ میلیون تومان به ازای هر نفر به آن ها تسهیلات بپردازد
افزود: اگر یک منبع درآمد مناسب برای بهبود یافتگان مهیا کنیم به طور حتم، حلقه های مفقوده بعد از ترک از بین خواهد رفت.

وی با بیان این که در استان در حوزه اعتیاد بیشتر گرایش به مواد سنتی است، افزود: اگر در حوزه مبارزه با مواد مخدر خیران ورود کنند به طور قطع، شاهد تحولات بسیار خوبی در این حوزه خواهیم بود.

وی ادامه داد: در بحث کشفیات مواد مخدر در استان بیش از ۴۰ انواع مواد مخدر از ابتدای امسال کشف و ضبط شده است.

وی درباره روند اجرای طرح متادون اززان قیمت در روستاهای منطقه مرزی درح همچنین درمان رایگان معناتان گفت: با اجرای برنامه های ویژه در این منطقه و برابر گزارش رسمی دستگاه های مقابله ای استان میزان تقاضا برای مصرف، خرید و فروش و جرایم مرتبط با مواد مخدر کاهش یافته است.

وی افزود: معضل اعتیاد و پدیده مواد مخدر نیاز به شناخت درست از راه های پیشگیری و فرهنگ و مبارزه ای فراگیر و پیوسته در ابعاد فرهنگی، بهداشتی و درمانی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی و انتظامی دارد.

در راهروی دادگاه

پول، زندگی ام را ویران کرد

صدای زن در سالن می پیچید و می گفت که باید به چه زبانی بگویم از تو متنفرم، چگونه در مغز تو فرو کنم که دیگر تو را نمی خواهم، خسته ام کردی، طلاق بده. برای دقایقی روی صندلی انتظار راهروی دادگاه نشست. همسرش هنوز در شوک صدای بلند او بود. مرد درباره داستان زندگی اش گفت: اولین مرتبه است که او صدایش را بلند می کند، هنوز حرف هایش برای من قابل هضم نیست، نمی دانم چه کار کنم، دوستش دارم اما او نمی خواهد با من زندگی کند.

حامد در ذهنش روزی های گذشته را مرور کرد و افزود: باروفا در محل کار آشنا شدیم و خیلی زود دلبسته یکدیگر شدیم. این احساس دوطرفه تا جایی پیش رفت که در کمتر از چهار ماه، زندگی مشترک خود را آغاز کردیم. دختر تنهایی بود و دوست و فامیل زیادی نداشت و فقط مادرش زندگی می کرد. من پس از ازدواج خانه ای را با کمک پدرم و کمی وام و قرض خریداری کردم و به اتفاق رؤیا در آن ساکن شدیم. دو سال اول زندگی خیلی شیرینی داشتیم و هیچ مشکلی بین من و همسرم وجود نداشت اما از سال سوم

خانه شیطان

چند ماه پیش وقتی از مدرسه بیرون آمدم متوجه نگاه های پسر جوانی شدم که به سمت من خیره شده بود و با حرکات سروچشمک زن من می خواست توجه مرا به خودش جلب کند ولی به او اعتنا نکردم، بعد از یک هفته که دیدم آن پسر دوباره سر را هم قرار گرفته از روی کنجکاوی بچگانه ای که درباره ارتباط با جنس مخالف داشتم به طرفش رفتم و سر صحبت را با او باز کردم.

عاطفه ۱۹ ساله در مرکز مشاوره آرامش نیروی انتظامی افزود: کم کم ملاقات های من و رامین ادامه یافت و بعد از تعطیل شدن مدرسه او را می دیدم. چند سالی بود که مادر مرا از دست داده بودم و پدرم به دلیل مشغله های فکری و کاری وقتی برای گذراندن اوقاتش با من نداشت و من هم کسی را نداشتم که با او درد دل کنم.

همین شد که تا به خوم آمدم دیدم به رامین وابسته



بود و صاحب ثروتی میلیاردری شد.

اما داستان این دادگاه از زمانی شروع شد که این پول وارد زندگی من شد و درست شبی که رؤیا این ثروت را به دست آورد، وقتی به خانه رسید با روحیه ای متفاوت حرف های چند ساله ای را که در دلش مانده بود سر میز شام و زمانی که در راهروی دادگاه دوباره از او خواش کردم، برای اولین بار صدایش را بالا برد و حالا جز رضایت به طلاق کار دیگری نمی توانم انجام دهم...

در آن جا همدیگر را می دیدیم. یک روز که برای دیدن او رفتم ۲ ساعت آن جا بودم و بعد به سمت منزل حرکت کردم هنوز به مقصد نرسیده بودم که رامین تماس گرفت و خواست دوباره به خانه اش بروم و من هم رفتم.

وقتی رسیدم او حالت عادی نداشت و من هم برای او چای ریختم اما تا برگشتم رامین عکس ها و فیلم هایی که از من داشت را نشان داد و گفت اگر به حرف او گوش نکنم این عکس ها را منتشر می کندو او در یک چشم به هم زدن کار شیطانی خود را انجام داد و بعد مرا از خانه خود بیرون کرد.

موضوع را به پدرم بگویم یا نه؟ چگونه موضوع را رامین مطرح کردم و او در پاسخ گفت نترس من کنار تو هستم.

عاطفه ادامه داد: در ملاقات های مخفی رامین از من خواست که دیگر در کوچه و خیابان ملاقات نداشته باشم و به همین دلیل پیشنهاد حضور در خانه او را قبول کردم.

او خانه مجردی داشت و تنها زندگی می کرد. مدتی

خود شرح دهم و آن ها

را آگاه کنیم این وضعیت

برای نوجوان بالغ و غیر قابل فهم می شود.

در این داستان دختر نوجوان به دلیل نبود مادر و ارتباط نداشتن صحیح پدر از محبت، درک و پذیرفته شدن محروم شده و همین مسئله زمینه گرایش وی به جنس مخالف را فراهم آورده است.

از آن جا که سن نوجوانی سن در معرض تشاشا بودن است وقتی نوجوان نتواند مورد تایید و پذیرش خانواده باشد نمی تواند آشننگی درون خود را در مان کند و همین سبب می شود او اولین کسیه شود.

نیود آموزش کافی برای نوجوان و جوان و بیداری او نسبت به احساساتش سبب ساز مسائل بزرگ تری می شود و ناآشنایی خانواده ها با مسائل دوره نوجوانی و جوانی و نبود اطلاعات موجب ناتوانی در درک فرزندان و به تبع آن ناتوانی در برقراری ارتباط و نبود رابطه درست با آن ها می شود.

است.